



بلکه در هر امری خود را ثابت می‌کنیم که خدام خدا هستیم؛ در صبر بسیار، در زحمات، در حاجات، در تنگیها، در تازیانه‌ها، در زندانها، در فتنه‌ها، در محنتها، در بی‌خوابیها، در گرسنگیها، در طهارت، در معرفت، در حلم، در مهربانی، در روح القدس، در محبت بی‌ریا، در کلام حق، در قوت خدا با اسلحه عدالت بر طرف راست و چپ، به عزت و ذلت، و بد نامی و نیک‌نامی؛ چون گمراه کنندگان و اینک راستگو هستیم؛ چون مجهول و اینک معروف؛ چون در حالت موت و اینک زنده هستیم؛ چون سیاست کرده شده، اما مقتول نی؛ چون محزون، ولی دائماً شادمان؛ چون فقیر و اینک بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ چون بی چیز، اما مالک همه چیز. دوم قرن‌تین ۶: ۴-۱۰

"هویت واقعی ما در خداوند"



اتفاقاتی که در زندگی ما می‌افتد نمایانگر اعتقاد ما و هویت ما نیستند. چطور ما با این اتفاقات برخورد می‌کنیم و عکس العمل در مقابل آنها خیلی مهم می‌باشد. وقتی که قوم اسرائیل در سرزمین مصر زندگی می‌کردند، قومی بزرگ بودند که خداوند حقیقی را می‌شناختند، اما در بردگی به سر می‌بردند. آنها از نظر قوای جنگی و فیزیکی قوی نبودند ولی خداوند واقعی در میانشان حضور داشت. مشکل آنها این بود که به هویت خود بر اساس ایمان به یهوه باور نداشتند.

وقتی که شما از داشته‌های خود بی‌خبر باشید، حتی اگر مهارت و توانایی خاصی هم به شما هدیه داده شده باشد یک جوری رفتار خواهید کرد که آنها را ندارید. قوم اسرائیل با مصائب فروانی در سرزمین مصر مواجه بودند و آنها فقط بزرگی این مشکلات را می‌دیدند و در خود نمی‌دیدند که با آن مقابله کنند. هر کسی می‌توانست آنها را به بردگی ببرد زیرا آنها در ذهن خود برده بودند. قوم سر خورده اسرائیل عادت کرده بود به شکست خوردن و هویت واقعی خود را فراموش کرده بود.

بر خلاف قوم اسرائیل اگر رفتار ما برگرفته از مشکلات مان نباشد، بلکه از هویت واقعی ما که از فرزند خداوند بودنمان نشأت بگیرد هر چه که در اطراف ما اتفاق می‌افتد کنترل زندگی ما را در دست نمی‌گیرد.

داود از سربازان شائول کوچتر، ضعیفتر و کم تجربه‌تر بود. آنها سلاح و تمرینات نظامی داشتند. اما داود یک هویت و اعتقادی متفاوت از آنها داشت، او اعتماد و اعتقادی بدون شک به خداوند یهوه داشت. او در زیر سایه عهد قدیم زندگی می‌کرد که خیلی‌ها به روح خداوند و سپردن خود به دستان او اعتقاد نداشتند و یا با آن آشنا نبودند. اما داود با یک شخصیت خاص اعتماد کامل به نبوت‌های پیامبران پیشین و وعده‌های خداوند داشت. این شاخصه او باعث شد که با خداوند رابطه بهتری داشته باشد و بهتر او را بشناسد. با این که او تجربه بقیه لشکر شائول را نداشت ولی فکر او فکر پیروزی بود و روحیه شکست خوردن در او نبود. در انتها او تنها کسی بود که توانست غول لشکر فلسطین را از پای در آورد.

داود خود را یک پیروز می‌دید. حقیقت وجودی او بر اساس واقعیت و هویت خداوند واقعی بود. در حالی که دیگران اعتقاداتشان بر اساس وهم و دروغ بود. مشکل قوم اسرائیل فیزیکی و جسمی نبود بلکه روحانی بود: آنها خود را با هویتی غلط و دروغ معرفی کرده بودند!

ای پدر آسمانی،



اجازه بده که هویت واقعی خود در تو و پسر یگانه‌ات را هیچ وقت فراموش نکنیم. خداوند بزرگ اجازه بده که هویت ما در تو؛ بر اطرافیان ما و اتفاقاتی که برایمان رخ می‌دهد تاثیر گذار باشد.

آمین!